

ایران و آمریکا مذاکرات هسته‌ای را آغاز می‌کنند

روزنامه دیپلماسی در عمان

صفحه ۱



طرح: محمد طالبی

اردوغان در محاصره خشم

عمومی قرار گرفت

ترکیه در

آتش اعتراضات

صفحه ۱



خبر

عراقچی:

مذاکره در عمان یک آزمون است؛ توپ در زمین آمریکاست

وزیر خارجه ایران با اعلام اینکه در هفته‌های اخیر، مجموعه‌ای از نامه‌ها و پیام‌ها میان ایران و آمریکا رد و بدل شده، نوشت: ایران آماده است با جدیت وارد تعامل و با هدف دستیابی به یک توافق وارد گفت‌وگو شود. دیدار در عمان به همان اندازه که یک فرصت است، یک آزمون نیز هست.

به گزارش ایسنا، «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران در یادداشتی در نشریه آمریکایی واشنگتن‌پست نوشت: در هفته‌های اخیر، مجموعه‌ای از نامه‌ها و پیام‌ها میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا رد و بدل شده است. برخلاف برخی تفسیرهای سطحی، این ارتباطات دست‌کم از سوی ما نه نمادین بوده‌اند و نه تشریفاتی. ما آن‌ها را تلاشی واقعی برای شفاف‌سازی مواضع و گشودن پنجره‌ای به‌سوی دیپلماسی تلقی می‌کنیم.

با توجه به اظهارات روز دوشنبه رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، ایران آماده است با جدیت وارد تعامل شود و با هدف دستیابی به یک توافق وارد گفت‌وگو شود. ما روز شنبه در عمان برای مذاکرات غیرمستقیم دیدار خواهیم کرد. این دیدار به همان اندازه که یک فرصت است، یک آزمون نیز هست.

پیگیری مذاکرات غیرمستقیم، انتخابی راهبردی است

مدلی که ما برای این تعامل پیشنهاد می‌دهیم، نوآورانه یا بی‌سابقه نیست. ایالات متحده خود در حال میانجی‌گری مذاکرات غیرمستقیم میان روسیه و اوکراین است، مناقشه‌ای به‌مراتب شدیدتر و پیچیده‌تر که ابعاد راهبردی، سرزمینی، نظامی، امنیتی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. من شخصاً نیز تجربه هدایت مذاکرات غیرمستقیم با ایالات متحده را داشته‌ام. این روند که در سال ۲۰۲۱ با میانجی‌گری اتحادیه اروپا انجام شد، هرچند پیچیده‌تر و دشوارتر از مذاکره مستقیم بود، اما هم امکان‌پذیر و هم ثمربخش بود. اگرچه آن زمان به خط پایان نرسیدیم، اما دلیل اصلی آن، نبود اراده واقعی از سوی دولت جوب بایدن بود. پیگیری مذاکرات غیرمستقیم به یک تاکتیک است و نه بازتاب یک گرایش ایدئولوژیک، بلکه انتخابی راهبردی است که بر پایه تجربه اتخاذ شده است. ما با دیواری بزرگ از بی‌اعتمادی مواجه هستیم و نسبت به صداقت نیت‌ها تردیدهایی جدی داریم؛ تردیدهایی که با اصرار ایالات متحده بر از سرگیری سیاست «فشار حداکثری» پیش از هرگونه تعامل دیپلماتیک، تشدید شده‌اند.

باید به این درک مشترک برسیم که «گزینه نظامی» وجود ندارد، چه رسد به

«راحل نظامی»

برای حرکت به‌سوی آینده، ابتدا باید به درک مشترکی از این واقعیت برسیم که به‌طور اصولی، چیزی به‌نام «گزینه نظامی» وجود ندارد، چه رسد به «راحل نظامی». رئیس‌جمهور ترامپ نیز با توصیه به آتش‌سب به‌عنوان نخستین گام برای پایان دادن به جنگ اوکراین، به‌روشنی به این واقعیت اذعان کرده است. هزینه کردن منابع مالیات‌دهندگان آمریکایی برای تشدید حضور نظامی ایالات متحده در منطقه ما، حضوری که می‌تواند جان سربازان آمریکایی را هزاران کیلومتر دورتر از خاک‌شان به خطر بیندازد، نه تنها به نتیجه دیپلماتیک منتهی نمی‌شود، بلکه مانعی برای آن است. ملت سرفراز ایران، که دولت من در زمینه بازاردنگی واقعی بر قدرت آنان تکیه دارد، هرگز تحمل و اجبار نخواهد پذیرفت. ما نمی‌توانیم تصور کنیم که رئیس‌جمهور ترامپ بخواهد به یکی دیگر از رؤسای‌جمهور ایالات متحده بدل شود که درگیر جنگی فاجعه‌بار در خاورمیانه شده است؛ جنگی که به‌سراسر منطقه گسترش خواهد یافت و هزینه‌های به‌مراتب فراتر از هفت تریلیون دلار از مالیات مردم آمریکا خواهد داشت، هزینه‌ای که دولت‌های پیشین آمریکا در افغانستان و عراق بر باد دادند.

هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران این تعهد را نقض کرده است
نخست آن‌که ممکن است رئیس‌جمهور ترامپ علاقه‌ای به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نداشته باشد، اما این توافق حاوی یک تعهد کلیدی است که در آن آمده است: «ایران بار دیگر تأکید می‌کند که هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی به دنبال جستجو، تولید و یا به دست آوردن سلاح هسته ای نخواهد بود.» (بند ۱۱۱ از «مقدمه و مفاد کلی» برجام)

۱۰ سال پس از انعقاد برجام و نزدیک به هفت سال پس از آنکه ایالات متحده به‌طور یک‌جانبه از این توافق خارج شد، هیچ‌گونه مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران این تعهد را نقض کرده است. این موضوع بارها و بارها در ارزیابی‌های نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده مورد تأیید قرار گرفته است.

دونالد ترامپ که روزگاری با شعار پرطمطراق «پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان» با به کاخ سفید گذاشت، در بازگشت جنجالی‌اش به قدرت، فصل تازه‌ای از مداخلات نظامی در خاورمیانه را کلید زده است. تنها چند هفته پس از آغاز دومین دوره ریاست‌جمهوری‌اش، ترامپ شخصاً دستور حمله‌ای گسترده به مواضع گروه انصارالله یمن موسوم به حوثی‌ها را صادر کرد؛ آن هم در حالی که هنوز جوهر سوگند ریاست‌جمهوری‌اش خشک نشده بود.

به گزارش فرارو، در دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، فشار بر تهران به مرحله‌ای بی‌سابقه رسیده است. رئیس‌جمهوری که زمانی با شعار «خروج از توافق بد»، برجام را پاره کرد، اکنون بازگشته تا با طرح توافقی سخت‌گیرانه‌تر، ایران را نه‌فقط در حوزه هسته‌ای، بلکه در حوزه موشکی و حتی نفوذ منطقه‌ای وادار به عقب نشینی کند. این تغییر رویکرد، چرخشی چشمگیر نسبت به دوران اوباما و حتی دور نخست زمامداری خود ترامپ به شمار می‌رود. در آن زمان، او صرفاً بر بی‌کفایتی و نواقص برجام تأکید داشت و هشدار می‌داد که پس از انتقضای محدودیت‌های زمانی توافق، تهران می‌تواند بی‌وقفه مسیر هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد. اکنون اما ترامپ در پی چیزی فراتر از «مهار موقت» است؛ او می‌خواهد ایران را در تنگنایی راهبردی قرار دهد که تنها دو گزینه پیش رویش باقی بماند: یا پذیرش توافقی گسترده‌تر با محدودیت‌های سنگین یا مواجهه با حملات نظامی آمریکا.

واشینگتن در پی شکستن تابو؛ ترامپ به‌دنبال مذاکره بی‌واسطه با تهران

در ادامه تلاش‌های دولت ترامپ برای کشاندن تهران به میز مذاکره، روزنامه «وال‌استریت ژورنال» از طرح تازه‌ای پرده برداشته که نشان از چرخشی جدی در رویکرد دیپلماتیک واشینگتن دارد. بر اساس این گزارش، کاخ سفید در حال طراحی سناریویی برای وادار کردن ایران به پذیرش مذاکرات مستقیم است؛ نه از پشت درهای بسته و با واسطه، بلکه «رو در رو» و بدون فیلتر. بر خلاف الگوی گفت‌وگوهای پیشین که در آن پیام‌ها میان دو طرف با واسطه‌های اروپایی یا عمانی رد و بدل می‌شد، این بار ترامپ به‌دنبال حذف پل‌های میانی و اعمال فشار بی‌واسطه بر تهران است؛ فشاری که هدف نهایی‌اش چیزی کمتر از برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران نیست.

در حالی که تنش‌ها میان واشینگتن و تهران به نقطه جوش رسیده، یکی از مقامات ارشد دولت آمریکا اعلام کرده که هدف نهایی دولت ترامپ، نه مهار یا اصلاح، بلکه «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران است؛ هدفی حداکثری که این بار ترامپ به‌دنبال حذف پل‌های میانی و اعمال فشار بی‌واسطه بر تهران است؛ فشاری که هدف نهایی‌اش چیزی کمتر از برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران نیست. در حالی که تنش‌ها میان واشینگتن و تهران به اوج رسیده و زمزمه‌های برخورد نظامی در رسانه‌ها طنین‌انداز شده، جامعه اطلاعاتی ایالات متحده روایت متفاوتی از واقعیت میدانی ارائه می‌دهد؛ روایتی که با مواضع جنگ‌طلبانه کاخ سفید فاصله‌ای چشمگیر دارد. «تولسی‌گردد»، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، در شهادت اخیر خود در برابر کمیته اطلاعات

چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۴
۱۰ شوال ۱۴۴۶
۹ آپریل ۲۰۲۵
سال بیست‌ونهم
شماره ۵۸۷۸
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

ایستگاه

پیام جدید به بازارها رسید

فرش قرمز بازارها برای

توافق

گروه اقتصاد – بازار ارز، طلا و سکه در روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین ماه کاهش قابل توجهی در قیمت‌ها را تجربه کرد.

بررسی وضعیت بازار ارز تهران در روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین ماه نشان‌دهنده نوسانات کاهشی نرخ ارز است. شواهد نشان می‌دهد که با افزایش اخبار مربوط به از سرگیری مذاکرات ایران و آمریکا، گمانه‌زنی‌ها در میان فعالان ارزی تهران افزایش یافته و این موضوع انتظارات را تا حدی تغییر داده است.

برخی از معامله‌گران ادعا می‌کنند که خرید و فروش در بازار همچنان ادامه دارد، اما فشار فروش دلار بیشتر از خرید آن است. این ادعا از آنجا قوت می‌گیرد که در بازار امروز، تقاضا برای خرید دلار کاهش یافته و اسکناس آمریکایی که دیروز در محدوده ۱۰۵ هزار تومان معامله می‌شد، هم‌اکنون به زیر ۱۰۰ هزار تومان و در حدود ۹۸ هزار تومان در حال نوسان است. همچنین در پی اعلام دونالد ترامپ مبنی بر مذاکره مستقیم ایران و آمریکا در روز شنبه هفته آینده، قیمت تتر ریخت و به ۹۸ هزار تومان رسید. گفتنی است الجزیره به نقل از ترامپ گزارش داد که روز شنبه نشست‌ی مهم با ایران برگزار خواهد شد که به‌صورت مستقیم و در سطوح عالی انجام می‌شود.در همین راستا، خبرگزاری فرانسه به سفر ترامپ به ریاض در روز شنبه اشاره کرده و این دیدار مستقیم را بین او و پزشکیان معرفی کرده است. با این حال عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران در واکنش به ادعای رسانه ها ضمن تأیید آغاز مذاکرات در روز شنبه به طور صریح اعلام کرد که هنوز هیچ مذاکره‌ای شکل نگرفته و در صورت شکل‌گیری، این مذاکرات به‌صورت غیرمستقیم خواهد بود.

شرح درصفحه ۵



گرانی اجاره‌بهای

سالن

ساز ناکوک

کنسرت‌ها

صفحه ۶

ماجرای پیامک های حجاب در اصفهان بررسی شد

اصفهان

جدا از ایران؟

صفحه ۶



سرمقاله

ژوبن صفاری



نتیجه مهمتر از شکل مذاکره

روز شنبه، مذاکرات ایران و آمریکا در عمان برگزار خواهد شد. بیش از هر چیز، شیوهٔ مذاکره مورد بحث قرار گرفته است. فارغ از ارزیابی چگونگی این مذاکره از منظر عمومی، آنچه اهمیت دارد، نتیجهٔ این گفت‌وگوهاست.

مردم می‌پینند که حتی خبر مذاکره به‌تنهایی چه اثری بر بازارها می‌گذارد و خواهان آن هستند که در شرایطی ثابت‌ان و قابل‌پیش‌بینی به زندگی خود ادامه دهند. آنچه مهم است، گذر از اضطرابی است که همواره در پی نوسان‌های اقتصادی بر مردم تحمیل می‌شود.

در این میان، پرسشی که از توافق‌هراسان مطرح می‌شود این است که راهکار شما برای پرهیز از هرگونه مذاکره و توافق چیست؟ مگر نه اینکه گفته می‌شد در زمان تحریم هم می‌توان اقتصاد را رشد داد؟

حتی در دورانی که فشار تحریم این‌چنین سنگین نبود و بایدن رئیس‌جمهور بود، نه توانستند قیمت‌ها را کنترل کنند و نه طرح‌های عجیب اشتغال و اقتصادی‌شان به نتیجه رسید.

اگر انتظار بر این است که مردم شرایط دشوار را تحمل کنند و در عین حال، خود در کنج عاقبت بنشینند و برای دیگران نسخه بیچید، این رویکرد منطقی به نظر نمی‌رسد.

از سوی دیگر، بسیاری از کارشناسان اقتصادی اشاره می‌کنند که هر گونه توافق احتمالی می‌تواند درجه‌های تازه‌ای برای تعاملات تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی بگشاید و در نهایت، شاخص‌های مهم اقتصادی را بهبود بخشد.

ادامه درصفحه ۶

از مدل لیبی تا تهدید به بمباران

مذاکره ایران و آمریکا؛ طرح پریسک دونالد ترامپ!

سایه تهدید، بدون شعله جنگ؛ آرایش نظامی آمریکا ابزاری برای چانه‌زنی؟

اگرچه حضور نظامی ایالات متحده در منطقه به‌طور چشمگیری تقویت شده، از اعزام ناوهای هواییماپر و استقرار بمب‌افکن‌های بی-۲ گرفته تا ایجاد آرایش پدافندی گسترده، اما شواهد موجود حاکی از آن است که یک حمله قریب‌الوقوع به ایران فعلاً در دستور کار نیست. به باور بسیاری از تحلیل‌گران، این تحرکات بیشتر بخشی از سناریوی «فشار از بالا، مذاکره از پایین» است؛ الگویی که دونالد ترامپ در دیگر پرونده‌های سیاست خارجی خود از جمله کره شمالی از آن بهره گرفته است. اکنون نیز به‌نظر می‌رسد او با تکرار همین فرمول در قبال ایران، در پی تحمیل یک توافق سریع و پرده‌سوار است. توافقی که بتواند آن را به‌عنوان پیروزی سیاست خارجی خود معرفی کند.

در حالی‌که لفاظی‌های نظامی میان واشینگتن و تهران شدت گرفته، بسیاری از تحلیل‌گران نظامی هشدار می‌دهند که گزینه «بمباران ایران»، به نفع نیست، بلکه می‌تواند به بحرانی تمام‌عیار بدل شود؛ به‌ویژه اگر هدف، فلج‌سازی توان هسته‌ای و زیرساخت‌های نظامی ایران باشد.

تحلیل‌گران بر این عقیده هستند: سامانه‌های پیشرفته پدافند هوایی، ساختار گسترده فرماندهی و کنترل و تجربه‌ی عملیاتی نیروهای ایرانی در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای، همگی عواملی‌اند که هرگونه حمله احتمالی را با پیچیدگی‌های راهبردی و عملیاتی همراه می‌سازند. کارشناسان تأکید دارند که حمله‌ای مؤثر، که هم تأسیسات هسته‌ای را مختل کند و هم واکنش فوری ایران را از کار بیندازد، نیازمند بسیج گسترده‌ای از نیروی انسانی، تجهیزات سنگین، پشتیبانی اطلاعاتی دقیق و عملیات روانی پیش‌دستانه است. با وضعیت فعلی استقرار نیروها و محدودیت‌های لجستیکی ایالات متحده در منطقه، چنین سناریویی، حتی در صورت تصمیم‌گیری سیاسی، به‌سادگی قابل اجرا نخواهد بود.

مدل لیبی یا مقدمه جنگ؟ کارشناسان هشدار می‌دهند: این پیشنهاد، تله‌ای سیاسی است

اظهارات اخیر ساتور تام کاتن درباره تمایل دونالد ترامپ برای استفاده از «مدل لیبی» در مذاکرات با ایران، موجی از واکنش‌ها را در محافل سیاسی و امنیتی به‌دنبال داشته است. اشاره به این مدل، پیش از آن‌که راهکاری دیپلماتیک تلقی شود، به‌مثابه زنگ خطری تلقی شده که در حافظه تاریخی‌نخبگان جمهوری‌هسته‌ای به‌وضوح طنین‌انداز برای آن‌ها طنین می‌اندازد. این پیشنهاد تأکید کرد: پیشنهاد ایران برای مذاکرات غیرمستقیم اقدامی استراتژیک به منظور «آزمایش طرف آمریکایی» است. وی ضمن ابراز تردید نسبت به تمایل واشینگتن به اقدام نظامی علیه تهران، احتمال وقوع چنین حمله‌ای را ضعیف دانست و تأکید کرد که فرماندهان نظامی ایران برای هر سناریویی آمادگی کامل دارند. او همچنین خاطرنشان کرد که ایران به‌دنبال جنگ نیست و از دونالد ترامپ که خود را «رئیس‌جمهور صلح» معرفی می‌کند، خواست تا از تهدید به جنگ دست بردارد. لاریجانی پیشنهاد کرد که اگر آمریکا واقعاً به دنبال منافع اقتصادی است، بهتر است به شکلی عادلانه با ایران همکاری کند؛ چرا که چنین رویکردی به سود هر دو کشور خواهد بود.